## جلسه 116-974

**یک‌شنبه - 13/03/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

## تتمه بحث از وجوب صلوات در تشهد

بحث در وجوب صلوات بر پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیهم اجمعین در تشهد بود.

به روایاتی استدلال شده بود، اولین روایت صحیحه ابی بصیر و زراره بود: ان الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله من تمام الصلاة، من صلی و لم یصل علی النبی و ترک ذلک متعمدا فلا صلاة له. به نظر ما همان‌طور که آقای خوئی فرمودند دلالتش بر وجوب خوب است.

و این اشکال که برخی گفتند: با این روایت وجوب صلوات بر آل نبی را نمی‌شود استفاده کرد، اشکال ندارد، ‌با آن ملازمه ثابته بین صلوات بر پیامبر و صلوات بر آل پیامبر که از روایات استفاده شده ما آن را اثبات می‌‌کنیم چون صلات بر پیامبر فقط نامش در روایات صلوات بتراء نامیده شده و نهی شده از آن و ما بعید نیست ملتزم بشویم حرام هم هست، ‌حالا اگر نگفتیم حرام است لااقل امر به صلوات بر پیامبر امتثال نمی‌شود بدون صلوات بر آل پیامبر. آنی که صلات بتراء می‌‌فرستد بر پیامبر، او کار حرام مرتکب شده یا از روی عناد هست، مثل ضبّی که استاد شیخ صدوق بود و شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا جلد 2 صفحه 279 می‌‌گوید لم ار اشد نصبا منه کان یقول اللهم صلی علی محمد منفردا، بی‌وجدان!‌ بی‌انصاف! منفردا دیگر برای چی بود، نمی‌خواهی بگویی نگو، این‌قدر ناصبی بود. حالا یا این حرام است یا امتثال امر به صلوات علی النبی نمی‌شود پس از این جهت ما کشف ملازمه می‌‌کنیم، ‌هیچ‌کس هم قائل به تفصیل نشده که بگوید در نماز صلوات بر پیامبر واجب است صلوات بر آل پیامبر واجب نیست.

[سؤال: ... جواب:] چون نهی از صلوات بتراء لااقل ارشاد به مانعیت هست اگر نهی تکلیفی نباشد. ... مطلق است دیگر، ‌اصلا مانعیت دارد از امتثال امر به صلوات بر پیامبر.

اشکال دیگری که به این صحیحه ابی بصیر و زراره گرفته شده گفتند در این روایت فرمودند من صلی و لم یصل علی النبی فلا صلاة له، ‌حالا من در غیر تشهد صلوات می‌‌فرستم در نماز چرا در تشهد می‌‌گویید واجب است؟ جواب دادند که بله در این روایت ندارد که موضع صلوات کجاست ولی این را با سیره قطعیه و تعارف بین متشرعه کشف می‌‌کنیم، مثل خود قرائت، ‌لا صلاة الا بقراءة الکتاب که ندارد کجا، اصل جزئیت را نسبت به فاتحة الکتاب از این روایت استفاده می‌‌کنیم، محلش را از تعارف و سیره استفاده می‌‌کنیم. ‌صحیحه عمر بن اذینه هم که بود، ‌الهمنی الله ان قلت بسم الله و بالله و لا اله الا الله و الاسماء الحسنی کلها لله فقال لی یا محمد صلی الله علیه و آله صل علیک و علی اهل بیتک فقلت صلی الله علیّ و علی اهل بیتی، دیگر با آن فتوای صاحب حدائق آدم جرأت نمی‌کند نمی‌کند نام پیامبر صلی الله علیه و آله را بدون صلوات ببرد، روایات دارد، ما حالا گفتیم لو کان لبان، اما در عمل احتیاط بد نیست، در کافی جلد 2 صفحه 495، ‌سند صحیح است، معتبره ابی بصیر از پیامبر نقل می‌‌کند، ‌من ذکرت عنده فنسی ان یصلی علیّ خطّا الله به طریق الجنة، من نسی یعنی از روی اهمال یا نسی به معنای این‌که تناسی، یعنی خودفراموشی، یعنی فراموشی اختیاری، عملا یعنی ترک کند، من ذکرت عنده فنسی ان یصلی علیّ خطّا الله به طریق الجنة، ‌خدا هم راه بهشت را برایش گمراه می‌‌کند و این سر از جهنم درمی‌آورد یا در محاسن جلد 1 صفحه 95 از مفضل بن صالح نقل می‌‌کند از محمد بن هارون، ‌قبلش هم علی بن محمد کوفی، سند ضعیف است، محمد بن علی کوفی همان ابی سمینه است، اذا صلی احدکم و لم یذکر النبی فی صلاته سلک بصلاته غیر سبیل الجنة و قال رسول الله من ذکرت عنده و لم یصل علیّ‌ فدخل النار فابعده الله، دور از رحمت خداست، این اهل جهنم است. و همین‌طور هم ثواب الاعمال صفحه 65، آن سند دیگری دارد او هم ضعیف است چون عبدالله بن عبیدالله در سندش است، ‌عن ابی بصیر عن ابی جعفر در خطبه شعبانیه پیامبر اولش فرمود ایها الناس من ذکرت عنده فلم یصل علیّ فلم یغفر له فابعده الله. و لذا حداقل تا یادمان هست هر وقت نام پیامبر و القاب مختلف برده شد و لو اخفاتا صلوات بفرستیم، اللهم صل علی محمد و ال محمد و عجل فرجهم و اهلک اعداءهم.

[سؤال: ... جواب:] لو کان لبان را شما قبول ندارید؟ ... من به نظرم این‌طور متعارف نبوده آن زمان نام پیامبر را با صلوات همیشه بگویند. ... خود نهج البلاغة قدیمی هایش صلوات ندارد به نظرم، آن جایی که امیرالمؤمنین از پیامبر نام می‌‌برد. متعارف نبوده، حالا به قول شما شاید اخفاتا می‌‌گفتند یا این روایت را حمل کنیم بر کسی که ترک کلی می‌‌کند مثل اعراض از سنت کسی که اصلا نماز جماعت شرکت نکند می‌‌شود اعراض از سنت مثلا، بدون عذر اصلا نماز جماعت شرکت نمی‌کند، بدون عذر، ‌عن عذر عیب ندارد، امام رفته بودند نجف، گفتند شما نمازی بخوانید، ‌یعنی در یک مسجدی نماز بخوانید، ‌ایشان فرمودند ایران هم که من بودم نماز نمی‌خواندم!! حالا عن عذر شرکت نمی‌کند در نماز جماعت عن عذر است اما اگر بلاعذر کلا شرکت نکند در نماز جماعت این اعراض از سنت است. اینجا هم همین‌طور است، ‌اصلا دأبش این است که مثل این‌که رفیقش را نام می‌‌برد، حسین، علی، مرد حسابی! یک علیه السلامی‌ یک حضرتی، آن آقا در سخنرانی هایش قبل از انقلاب دیدید دیگر، ‌در حسینیه ارشاد همین، حسن حسین علی فاطمه، فکر می‌‌کند این‌جوری حماسی‌تر است.

در روایت اسحاق بن عمار دارد، سند ضعیف است، ‌روایت اسحاق بن عمار محمد بن علی ابوسمینه در سندش هست، دارد که خدا فرمود ارفع رأسک و اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و ان الساعة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور، ‌اللهم صلی علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترحمت و مننت علی ابراهیم و آل ابراهیم.

پس به نظر ما این روایت دلالتش تمام است.

می‌توانید شما در تکمیل این بحث به موثقه ابی بصیر هم تمسک کنید بنا بر این‌که وجوب به حکم عقل است و سیاق مستحبات مانع از حکم عقل به وجوب در آن خطاب امر مشکوک الوجوب نیست که آقای خوئی نظرشان این است، ‌شما می‌‌توانید به موثقه ابی بصیر هم تمسک کنید، موثقه ابی بصیر خیلی مستحبات دارد، آن وقت در تهذیب جلد 2 صفحه 100 در تشهد اول می‌‌گوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و سلم علی محمد و آل محمد و ترحم علی محمد و علی آل محمد، تا آخر، ولی خیلی مستحبات دارد، ما این سیاق مستحبات را مانع از ظهور در وجوب می‌‌دانیم و تا ظهور در وجوب نباشد حجت نمی‌دانیم خطاب امر را بر اثبات وجوب، ولی آقای خوئی مشکل ندراد، همین جواب را در این روایت صحیحه عمر بن اذینه هم می‌‌دهد که در او هم مستحبات زیادی هست. الاشکال هو الاشکال، با این اشکال ما صحیحه عمر بن اذینه هم که مقرون به مستحبات است دیگر وجوب از او استفاده نمی‌شود.

## نقد و بررسی استدلال به روایات نافیه وجوب صلوات

در مقابل روایاتی هست که استفاده شده عدم وجوب صلوات در تشهد: اولین روایت صحیحه فضلاء است، اذا فرغ من الشهادتین فقد مضت صلاته فان کان مستعجلا فی امر یخاف ان یفوته فسلم و انصرف اجزأه، وسائل جلد 6 صفحه 397.

آقای خوئی فرمودند اولا صحیحه زراره گفت من تمام الصلاة الصلاة علی النبی، این حاکم است بر فقد مضت صلاته، می‌‌گوید تا صلوات نفرستی لم تمض صلاتک. و اصلا استفاده ممکن است بکنیم که شهادتین مشتمل بر صلوات است، صلوات زاید بر شهادتین نیست، جزء شهادتین است.

که انصافا این حرف خوبی است، مخصوصا روی مبنای آقای سیستانی که ما هم از این روایات ممکن است کمک بگیریم که می‌‌شود در وسط شهادت بر نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله گنجاند بگوییم اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، با توجه به این روایت بعید نیست این کار جایز باشد، و روایات دیگر که خواهیم خواند.

آقای خوئی یک مطلب دیگری هم فرمودند، ‌فرمودند که بر فرض شما بگویید اطلاق دارد این صحیحه فضلاء‌، ما من عام الا و قد خص، ما من مطلق و قد قید، می‌‌گوید مضت صلاته، قید می‌‌زنیم بعد ان ذکر الصلوات، مشکلی ندارد.

انصافا این باید بحث عام ترخیصی را مطرح کنیم اینجا که این عام ترخیصی می‌‌گوید لازم نیست صلوات بعد با مقید منفصل بگوییم صلوات لازم است، که جوابش این است که شاید متعارف بود صلوات بر نبی و آل نبی صلی الله علیه و آله و دیگر اطلاق موجب اغرای به جهل نبود.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که آقای خوئی می‌‌گوید او اخص موضوعی است، می‌‌گوید صلوات بر نبی و آل نبی صلی الله علیه و‌ آله این شرط است در نماز، این اخص از این اطلاق حکمی.

آخرین جوابی که آقای خوئی از این صحیحه فضلاء می‌‌دهد می‌‌گوید موردش استعجال است، فوقش در حال استعجال نبود صلوات نفرستد.

این واقعا اشکال تمامی نیست چون صدرش که دارد فقد مضت صلاته، ‌اذا فرغ من الشهادتین فقد مضت صلاته، فان کان کان مستعجلا فی امر یخاف ان یفوته فسلم یعنی مستحبات دیگر تشهد را لازم نیست بگوید و الا راجع به این‌که اذا فرغ من الشهادتین فقد مضت صلاته که می‌‌خواهد بگوید یعنی صلوات لازم نیست، او که مختص به مستعجل نیست، و لذا این اشکال آقای خوئی وارد نیست.

روایت دوم صحیحه محمد بن مسلم است: قلت لابی عبدالله علیه السلام التشهد فی الصلوات قال مرتین قلت کیف مرتین؟ قال اذا استویت جالسا فقل اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، ما پرانتز باز می‌‌کنیم صلی الله علیه و آله، ‌در روایت نیست، ثم تنصرف، ‌روایت نگفت ثم تذکر الصلوات و تنصرف، گفته می‌‌شود بعد از شهادتین می‌‌گوید تنصرف یعنی تسلم.

آقای خوئی فرموده اولا ممکن است کسی بگوید ثم دال بر تراخی است.

این‌که انصافا درست نیست، ثم تنصرف انفصال به آن معنا حالا "ثم یدل علی الترتیب بانفصال" این‌ها باید بحث بشود، جاء عمرو ثم جاء زید، پشت سرش آمد بلافاصله، ما نمی‌گوییم ثم؟ صرفیین چنین کردند ما هم چنین کنیم که نشد.

[سؤال: ... جواب:] ما هم بازار حویشه رفتیم، همچین بیگانه از عرب‌ها نیستیم، بعضی از عرب‌زبان‌ها حضور دارند، آیا واقعا جاء عمرو ثم جاء زید دال بر انفصال است؟ ... نمی‌خواهد اتصالش را بگوید. ... اگر تراخی باشد معلوم می‌‌شود یک فاصله‌ای افتاده بین شهادتین و انصراف، فاصله به چی می‌‌افتد؟ فاصله می‌‌افتد با همین صلوات. حالا ما خیلی این مطلب برایمان روشن نیست.

آقای خوئی فرموده فوقش اطلاق دارد قابل تقیید است.

آن وقت باید همان جواب را بدهیم که اطلاق‌هایی که موجب القای در جهل است، موجب القای در مفسده خلاف واقع است، ‌به مردم بگویی اذا استویت جالسا فقل اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ثم تنصرف، خب مردم اغرای به جهل می‌‌شوند، صلوات نمی‌فرستند به استناد فرمایش شما، اینجا دیگر جمع عرفی نیست که ما بیاییم تخصیص موضوعی بزنیم بگوییم و لکن صلوات بفرست، نه، شاید آن صلوات بفرست را حمل می‌‌کنیم بر نفی کمال، بر مستحب، و این‌که لا صلاة له یعنی لا صلاة کاملة له. اما جواب دادیم گفتیم چون بعید نیست متعارف بود در بین شیعه صلوات، روایات هم که داشتیم، این منشأ می‌‌شود که دیگر ما نگوییم اغرای به جهل است، بگوییم امام علیه السلام در مقام بیان کیفیت شهادتین بود، و ثم تنصرف یعنی آن مستحبات دیگر، ‌و اشهد ان الرب نعم الرب و ان النبی نعم الرسول و ان الله یبعث من فی القبور آن‌ها لازم نیست، ثم تنصرف، ‌به‌لحاظ شهادت ثم تنصرف. مخصوصا لازم نیست به نظر قریب به ذهن بعد از شهادتین بگویی، وسط شهادت ثانیه بگو و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، دیگر ثم تنصرف صدق می‌‌کند.

روایت سوم صحیحه زراره است: قلت لابی جعفر علیه السلام ما یجزی من القول فی التشهد فی الرکعتین الاولیین قال ان تقول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له قلت فما یجزی من تشهد الرکعتین الاخیرتین فقال الشهادتان، نفرمود الشهادتان مع الصلوات.

اولا: شاید ناظر به تشهد است که مضمونش هم قابل التزام نیست تفصیل بین تشهد اول و تشهد دوم، ولی قطع نظر از این می‌‌خواهد بگوید کیفیت این تشهد‌ها فرق می‌‌کند، ‌تشهد رکعت اخیره شهادتین است نه شهادت واحده و نه بیشتر از شهادتین، آن‌ها مستحبات است، اما صلوات جداست، بالاخره با یک دید جداست دیگر، ‌با یک دید تشهد شهادت نیست، با یک دید می‌‌توانیم بگوییم متمم شهادت است ولی با دید دیگر انسان می‌‌تواند صحبت کند و بگوید جزء تشهد نیست، من راجع به تشهد و شهادتین صحبت کردم.

[سؤال: ... جواب:] در مقابل اشهد می‌‌گوید شهادتان کیفیت تشهد رکعتین اخیرتین است، اما بعد از شهادتین ممکن است صلوات هم واجب بشود بگویی یا در اثنای صلوات لازم باشد بگویی. حالا بر فرض اطلاق داشته باشد الکلام الکلام، اینجا اطلاق قابل تقیید است.

روایت چهارم صحیحه دیگر زراره است، دیگر این مربوط می‌‌شود به بحث قبلی، الرجل یحدث بعد ان یرفع رأسه فی السجدة الاخیرة قبل ان یتشهد، امام فرمود ینصرف فیتوضأ فیتشهد ثم ینصرف و ان کان الحدث بعد الشهادتین فقد مضت صلاته. گفته می‌‌شود و ان کان الحدث بعد الشهادتین یعنی قبل از صلوات هم باشد، نماز صحیح است.

جوابش این است که شاید در این حال حدث غیر اختیاری شارع از صلوات رفع ید می‌‌کند، دلیل نمی‌شود ما بطور مطلق بگوییم تشهد لازم نیست. وانگهی این روایت که قبلا مطرح شد که هم معارض دارد هم معرض‌عنه اصحاب است، حمل بر تقیه ممکن است بشود، ‌قبلا این‌ها بحث شد و دیگر تکرار نمی‌کنیم.

این راجع به وجوب اصل صلوات بر پیامبر و آل پیامبر صلی الله علیه و آله.

## کیفیت صلوات

اما کیفیت صلوات، مرحوم سبزواری گفته مشهور گفتند همین اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد از شهادتین.

و لکن در ذکری گفته اشهر این است یعنی خلاف این هم مشهور است، ‌المشهور در مقابلش نادر است، ‌شاذ است، الاشهر در مقابلش مشهور است، مثل اعلم در مقابلش عالم است ولی عالم اگر بخواهی بگویی العالم یعنی دیگران جاهل هستند. الله سبحانه هو الاعلم بل العالم، اعلم یک مقدار معنایش این است که ما هم یک چیز بلدیم، ‌نه، هو العالم، اصلا ما جاهلیم، اینجا هم همین‌طور است، مشهور یعنی قول مخالف شاذ است، مرحوم شهید در ذکری می‌‌گوید این قول اشهر است یعنی قول مخالف شاذ نیست، او هم مشهور است.

علامه در نهایه مثلا می‌‌گوید حالا شما به‌جای اللهم بگو صلی الله علیه و آله، صلی الله علی محمد و آله، صلی الله علی رسوله و آله فالاقرب الاجزاء.

آقای خوئی می‌‌فرمایند ما قائل به وجوب همان اللهم صلی علی محمد و آل محمد هستیم، ولی دلیل ما روایتی است که ابن‌مسعود در کتب عامه نقل کرده نیست که اذا تشهد احدکم فی صلاته فلیقل اللهم صل علی محمد و آل محمد، مستدرک حاکم 1، 269، سنن بیهقی 2، 379، این ضعیف السند است، عمل مشهور هم ثابت نیست به این حدیث بوده، بر فرض هم به این حدیث باشد عمل مشهور جابر ضعف سند نیست. وانگهی ما که گفتیم مشهور و اشهر مطرح است نه مشهور و شاذ، اشهر که عمل‌شان جابر ضعف سند نیست چون در مقابل، مشهور عمل نکردند.

روایت دوم روایت احول است که صریحا داشت: اللهم صل علی محمد و آل محمد.

ولی ضعیف السند بود، احول توثیق نداشت.

روایت سوم روایت اسحاق بن عمار است، آنجا دارد اللهم صل علی محمد و آل محمد.

این هم که ضعیف السند است نه به‌خاطر ابن‌ماجیلویه، محمد بن علی ماجیلویه شیخ [و استاد] صدوق است که زیاد ترضی کرده شیخ صدوق بر او، ‌آقای خوئی! این‌قدر سخت‌گیر نباشید، ‌شیخ صدوق هم می‌‌گوید رضی الله عنه به این محمد بن علی ماجیلویه، شما می‌‌گویید "این دلیل بر توثیق نیست"، عرفا این کاشف از اعتماد صدوق به او هست، ولی محمد بن علی ابوسمینه ضعیف است و از کذابین مشهورین بوده.

دلیل چهارم بر وجوب اللهم صل علی محمد و آل محمد سیره است. اگر کسی بگوید و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله مردم تعجب می‌‌کنند، مخصوصا امام جماعتی هم باشید مردم می‌‌گویند این چه نمازی بود که خواندید، ما همچون نمازی ندیدیم.

جوابش این است که این سیره‌ها که دلیل بر حرمت غیر از آن نمی‌شود، فوقش دلیل بر افضلیت بشود، دلیل بر تعین نمی‌شود.

دلیل پنجم، ‌آقای خوئی فرموده هذا هو الدلیل، ‌موثقه ابی بصیر است، داشت اللهم صل علی محمد و آل محمد.

در نقل تهذیب یک اختلافی با نقل وسائل دارد که عرض کنم: در نقل تهذیب دارد: اللهم صل علی محمد و آل محمد، بعدش دارد ترحم علی محمد و علی آل محمد، ولی اولیش دارد اللهم صل علی محمد و آل محمد[[1]](#endnote-1)، حالا این "علی" شیعه بکار نمی‌برد، ‌عامه بکار می‌‌برند، شیعه مقید است "علی" نگوید، فاصله بین آل و نبی حتی با "علی" قرار ندهد، ولی معلوم نیست این متعین باشد، در نقل تهذیب این‌جوری دارد، "علی" دارد. در وسائل "علی" ندارد، حذف شده، خیلی ولایی بوده صاحب وسائل "علی" نیامده!! به چشمش نخورده، بعدیش در تشهد رکعت اخیره هست، آنجا هست، اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و بارک علی محمد و علی آل محمد و سلم علی محمد و علی آل محمد، حتی در وسائل هم در تشهد رکعت چهارم هست.

آقای خوئی می‌‌فرماید ببینید! مستقل، اللهم صلی عل محمد و آل محمد بعد از تشهد آمده، و ما گفتیم سیاق مستحبات مانع از حکم عقل به وجوب آن چیزی که دلیل بر ترخیص در ترک آن نداریم نخواهد بود و لذا ما دلیل بر ترخیص نداریم که اللهم صلی علی محمد و آل محمد نگوییم، بنابراین باید بگوییم، عقل می‌‌گوید باید بگویید.

با مبنای ما جوابش روشن است، سیاق مستحبات است این موثقه ابی بصیر، ظهور در وجوب پیدا نمی‌کند.

و لذا به نظر ما هیچ مشکلی ندارد همین‌طور که آقای سیستانی فرمودند شما می‌‌توانید بگویید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، یا بعد از شهادتین به‌جای اللهم بگویید صلوات الله علیه و علی اهل بیته.

یک روایتی هم بعضی‌ها مطرح کردند گفتند ببینید خود پیغمبر در معراج گفت صلی الله علیّ‌ و علی اهل بیتی، ما می‌‌گوییم صلی الله علیه و علی اهل بیته.

آقای خوئی فرمودند اگر راست می‌‌گویی بگو صلی الله علیّ‌ و علی اهل بیتی، چون پیامبر این‌جور گفته شما هم این‌جوری بگو. پیغمبر فرمود چه ربطی به تو دارد؟ تو وظیفه‌ات همانی است که موثقه ابی بصیر می‌‌گوید، اللهم صل علی محمد و آل محمد، پیغمبر فرمود اللهم صل علیّ و علی اهل بیتی، صلی الله علیّ و علی اهل بیتی، راست می‌‌گویی می‌‌گویی پیغمبر این‌جوری فرمود تو هم مثل پیغمبر بگو آن وقت ببین حکم اعدام خودت را امضا کردی یا نه!!

این‌که درست نیست. پیغمبر فرمود صلی الله علیّ ما بگوییم صلی الله علیه.

ولی جواب اصلی این است که شب معراج زمینه‌سازی وجوب نماز بود، زمینه‌سازی تشریع بود، ‌هنوز تشریع پا نگرفته بود، زمینه‌سازی بوده، بعد موثقه ابی بصیر تشریع فعلی را می‌‌گوید، این دلیل نمی‌شود حالا شما بگویید دلیل بر وجوب تعیینی اللهم صل علی محمد و آل محمد نداریم حرف درستی است، آقای سیستانی هم نظرش همین است اما به این صحیحه عمر بن اذینه تمسک کنید چون در اینجا دارد صلی الله علیّ‌ و علی اهل بیتی بگویید پس ما هم می‌‌توانیم شبیه این بگوییم، نه، این درست نیست.

این راجع به بحث تشهد. بحث دیگری در تشهد نمانده، باید حروفش را درست اداء کنید، ملحون اداء نکنید، این همان چیزی است که در ذکر سجود و رکوع هم مطرح شد و نیازی به بحث ندارد.

ان‌شاءالله بعد از تعطیلات بحث بعد بحث سلام هست که مخرج از نماز است. این بحث را در اینجا تمام می‌‌کنیم.

سلام می‌‌دهیم بر محمد و آل محمد، اللهم صل و سلم و بارک و ترحم و تحنّن علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت و تحنّنت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید غفر الله لنا و لکم، ‌خدا خودش دست ما را بگیرد، از لغزش‌ها حفظ‌مان بکند، عاقبت به خیر‌مان بکند، مغرور نشویم به آنچه می‌‌خواهیم و آنچه می‌‌کنیم، خیلی‌ها در این مسیر بودند، آخرش لغزشی کردند ‌از این مسیر فاصله گرفتند، پیامبر در نیمه شب گریه می‌‌کرد می‌‌گفت الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و لا تسلبنی صالح ما انعمت علیّ به ابدا و لا تدخلنی فی سوء اخرجتنی منه ابدا، گریه می‌‌کرد، گریه می‌‌کرد، ‌ام سلمه عرض کرد یا رسول الله شما داری گریه می‌‌کنی؟ حضرت فرمود چرا گریه نکنم، برادرم یونس یک آن به خودش واگذاشته شد، بر سر او آمد آنچه که نباید می‌‌آمد، بله گریه می‌‌کنم از خدا می‌‌خواهم که خدا یک آن من را به خودم واگذار نکند. و لذا خیلی مهم است، آن خوف از آینده، خوف از انحراف در آینده، خوف این‌که دین خدا را با افکار جدید هی بخواهیم تطبیق بدهیم و از دین فاصله بگیریم، خوف از آینده بطور کلی، این‌ها باید همیشه در ذهن‌مان باشد و به خدا پناه ببریم. آن صحابی امیرالمؤمنین آمد پیش معاویه، معاویه گفت صف لی ابالحسن، توضیح بده برای ما، نوف بکالی بود ظاهرا، گفت معاویه!‌ لقد رأیته فی بعض مواقفه یتململ تململ السلیم، ‌مثل انسان مارگزیده به خودش می‌‌پیچید، و یقول آه آه من قلة الزاد و بعد السفر و وحشة الطریق، این‌ها اگر گریه بکنند ناله بزنند ما باید چه بگوییم، ‌به خدا باید پناه ببریم، ان‌شاءالله مخاطب اصلی این سخنان خودم هستم، شما الحمدلله منزه هستید، برای ما دعا کنید خدا دست ما را بگیرد و به همه‌مان توفیق بدهد ان‌شاءالله در مسیر اهل بیت گام برداریم و اگر بناست یک آنی و کمتر از یک آنی از مسیر اهل بیت دور بشویم مرگ ما را در آن آن قرار بدهد.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا و هب لنا رأفته و رحمته و دعاءه و خیره ما ننال به سعة من رحمتک و فوزا عندک و اجعل صلاتنا به مقبولة و دعائنا به مستجابا و اجعل ارزاقنا به مبسوطة و انظر الینا نظرة کریمة بحق محمد و آله الطاهرین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و لعنة الله علی اعداءهم و غاصبی حقوقهم و منکری فضاءلهم ابد الآبدین.

1. عَنْ‌ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: إِذَا جَلَسْتَ‌ فِي الرَّكْعَةِ‌ الثَّانِيَةِ‌ فَقُلْ‌ ... اللَّهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ‌ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ‌ مُحَمَّدٍ ... وَ تَرَحَّمْ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ‌ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ‌ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ‌ مُحَمَّدٍ ... اللَّهُمَّ‌ صَلِّ‌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ‌ مُحَمَّدٍ. 2،99. [↑](#endnote-ref-1)